

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۰۷ اگست ۲۰۱۸

نگاهی به کتاب ستراتیژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱

۵

بخش دوم) در جست و جوی ستراتیژی امنیت ملی:

اندیشه ستراتیژی:

در بخش اول که پیش از این آمده، در تدوین ستراتیژی به ۲ گرایش متناقض یکدیگر اشاره شده است. ۱. در مقابل نیروهای قدرتمند سیاسی و اجتماعی که در جهت گسست و تجزیه جامعه جهانی عمل می کنند، مجموعه ای از نیروهای اقتصادی و فنی و فکری وجود دارند که برای ایجاد همبستگی در این جامعه در تلاش هستند. هیچ کس نمی داند که اختلاط این گرایش ها و جهت گیری ها، چه پدیده ای به دنبال خواهد داشت. ۲. جهانی که پیش رو خواهیم داشت، به گونه ای چشمگیر از زوایا و جنبه های گوناگون، با آنچه اکنون هست متفاوت خواهد بود. دولت ها از سطوح پائین، از سوی نیروهای تجزیه طلب و خشونت طلب قومی، و از بالا، توسط نیروهای اقتصادی، فنی و فرهنگی که فراتر از قدرت و نظارت حکومت ها هستند، تحت فشار خواهند بود. ما شاهد انتقال جامعه بشری از عصر کشاورزی به دوران صنعتی در زمان بسیار محدود هستیم. به نظر این کمیسیون، ماهیت و محور اساسی ستراتیژی امریکا باید ایجاد تعادل بین دو هدف زیر باشد: نخست: بهره بردن از منافع یک جهان منسجم و هماهنگ، که در آن آزادی و امنیت و خوشبختی برای امریکا و دیگر کشورها گسترده شده است.

دوم: این که ستراتیژی امریکا باید در راستای فرونشاندن نیروهای بی ثبات کننده جهانی باشد تا بتوان منافع پیش گفته را پایدار ساخت. آزادی، ارزشی اساسی برای امریکاست. اما آزادی بدون امنیت و ثبات که از آن ناشی می شود، ناپایدار است.

اصول و قواعد تنظیم ستراتیژی ملی عبارتست از:

سیاست و ستراتیژی باید در خدمت منافع ملی باشد.

تداوم قدرت امریکا جزو اهداف بلندمدت است و این امر بدون آگاهی و کوشش فراوان میسر نخواهد شد.

امریکا در عصر جدید، همچنان که با موقعیت هائی بی سابقه رودررو خواهد بود، مخاطرات فراوانی را نیز در پیش خواهد داشت.

از آنجا که امریکا نمی تواند مسؤولیت سنگین و بار گران همه ملل و جوامع را به تنهائی بر دوش کشد، ناگزیر باید راه هائی برای همکاری با سایر ملل شایسته و همفکر بیابد.

این ملت باید اولویت های خود را مشخص کند و همواره آنها را در نظر داشته باشد.

امریکا نباید فراموش کند که اصول مشخصی از جمله «آزادی در لوای قانون» را دنبال می کند.

منافع ملی در قرن جدید:

ستراتژی امنیت ملی امریکا باید بر پایه منافع ملی باشد که برای رفاه و آسایش جامعه امریکا باید حفظ شده و پیش برده شوند. این منافع را می توان به سه سطح تقسیم کرد:

۱. منافع مربوط به حفظ بقاء (شامل: امنیت در برابر حمله مستقیم و حفظ نظم مبتنی بر قانون اساسی و نقاط قوت آن [مانند: تعلیم و تربیت، صنعت، دانش و فناوری])

۲. منافع حیاتی (شامل: استمرار و امنیت نظام های کلیدی بین المللی از جمله: انرژی، اقتصاد، ارتباطات، حمل و نقل و بهداشت، عدم هیچ نوع سلطه گری و سلطه جوئی مخالف امریکا، عدم وجود رقیب جدی، امنیت دوستان و متحدان، عدم دست یابی مخالفان به سلاح های کشتار جمعی و اتمی، تعمیق و نهادینه کردن مردم سالاری و حکومت قانون در کشورهای خارجی براساس اقتصاد بازار و احترام به حقوق بشر)

۳. منافع مهم (شامل: رشد اقتصادی سایر کشورها، به حداقل رسیدن تروریسم و بزهکاری و عدم بروز پدیده هائی چون قتل و غارت و تداوم خشونت و نقض حقوق بشر در زندگی سیاسی جهان، کنترول مهاجرت در طول مرزهای امریکا، رفت و آمد امن و راحت شهروندان امریکا به خارج)

اهداف اصلی:

ایالات متحده امریکا به دنبال تضمین آزادی در محدوده قانون و تحقق امنیت و رفاه و خوشبختی شهروندان خویش است که در صورتی تضمین خواهند شد که سایر ممالک دنیا نیز بتوانند به این گونه اهداف دست یابند. ستراتیژی امریکا باید راههای جدیدی (با هماهنگی دیگر کشورها) برای تثبیت و پیشبرد صلح و رفاه و دموکراسی و نظم جهانی معرفی کند. به هر حال، برای تحقق این اهداف ستراتیژیک در عصر جدید، اولویت ها و سیاست های امریکا باید معطوف به این موارد باشد:

دفاع از ایالات متحده امریکا و اطمینان به این که از مخاطرات عصر جدید در امان خواهد بود.

انسجام و همبستگی اجتماعی امریکا، رونق اقتصادی، ابتکارات و خلاقیت های فناوری و برتری قدرت نظامی باید حفظ شود.

کمک به الحاق قدرت های بزرگ، به ویژه چین و روسیه و هند به نظام نوین بین المللی که در حال شکل گیری است.

پیشبرد پویائی اقتصاد نوین جهانی به همراه دیگر کشورها و بهبود کارائی سازمان های بین المللی و حقوق بین المللی.

تنظیم و سازگار کردن پیمان های امریکا با دیگر کشورها و سایر سازکارهای منطقه ئی با اوضاع نوین که در آن شرکای امریکا خواستار استقلال و پذیرش مسؤولیت های جدید هستند.

کمک به جامعه بین المللی برای رام کردن نیروهای مخرب منتج از عصر تغییر و تحول.

مقتضیات امنیت ملی:

دستگاه دیپلماسی امریکا باید دریابد که گسترش روزافزون ارتباطات جهانی، موجب به هم خوردن تقسیم بندی های قدیمی جهان خواهد شد. در این وضع، ابعاد اقتصادی کشورداری به عنوان رقیبی برای مسائل نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است.

سازمان های سنتی مرتبط با امنیت ملی امریکا نیاز به همکاری جدید با شیوه های نوین دارند و مؤسسه اقتصادی هم نیاز به همکاری بسیار نزدیک با جامعه سنتی امنیت ملی خواهند داشت. به علاوه، دیگر دست اندرکاران نیز باید در روند سیاستگذاری امنیت ملی شرکت داده شوند. صرف بهبود روابط سازمانی برای رسیدن به مقصود کافی نیست. علاوه بر این، دولت امریکا باید همکاری مؤثری با دولت های محلی و سازمان های غیردولتی داشته باشد. البته به شرطی که مسؤلیت نهائی خود برای تعیین سیاست های ملی را قربانی این مشارکت نکند. باتوجه به اوضاع جدید جهانی و ستراتیژی متناسب با آن، امریکا باید در بعد نظامی پنج نوع توانائی را در اختیار داشته باشد:

توانائی هسته ئی به منظور بازدارندگی و حمایت در برابر هرگونه حمله.

توانائی و امکانات برقراری امنیت کشور.

توانائی های تسلیحاتی متعارف برای پیروزی در جنگ ها.

امکانات و توانائی شناسائی و مداخله سریع.

امکانات نیروی پولیس و نیروهای امدادی بشردوستانه.

تلاش برای برقراری صلح:

ستراتیژی طراحی شده در اینجا مستلزم آن است که امریکا به گونه ای رهبری جهان را در دست بگیرد که میان گسترش آزادی و تداوم ثبات، موازنه و تعادل وجود داشته باشد. برای تحقق این هدف، امریکا باید تلاش های خود را با دیگران هماهنگ سازد و تا جائی که امکان دارد منافع دیگران نیز در نظر گرفته شود. امریکا که امروز به «قدرت جهانی» تبدیل شده است، مسؤلیتی دوگانه دارد که استقرار صلح و ثبات در جهان یک سوی دیگر آن است. در بخش سوم (این کتاب) ساختارها و فرایندهای جاری را به منظور هماهنگ شدن با قرن ۲۱ معین و ضوابط زیر را توصیه کرده ایم:

۱. ضرورت جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل و انتشار آنها و بازنگری سیاست ها.

۲. ایجاد قابلیت در مورد محاسبه پیامدهای بلندمدت مداخلات برون مرزی.

۳. هماهنگی و یکپارچه سازی عوامل غیرسنتی با عوامل سنتی امنیت ملی.

۴. یافتن سازوکارهای جدید برای گسترش ارتباط بین نیروهای نظامی، پولیس، دستگاه قضائی و اشکال گوناگون و جدید جنگ افزارها.

۵. محاسبه و ارزیابی عملکردهای استعماری، درس گرفتن از تجربیات...

۶. برقراری وحدت و انسجام بین سیاست های داخلی با ملزومات اساسی امنیت ملی و سیاست های خارجی مربوط به امنیت ملی. قسمت سوم این گزارش، پیشنهادهایی برای بهبود و تقویت کارائی دولت امریکا به منظور عملکرد مؤثرتر در برابر تغییرات سریع سیاسی و فناوری محیط اطراف خواهد بود.

ادامه دارد